

فرهنگ بازیهای محلی ایلام

جلد ۲

آیت محمدی (کاظم)

و

فاطمه محمدی

انتشارات آریو جان

۱۳۹۵

سرشناسه : محمدی، آیت‌الله، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام : فرهنگ بازیهای محلی ایلام / مولف آیت محمدی (کلهر)، [فاطمه
 پدیدآور : محمدی].
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات آریوCHAN، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۳ج: مصور (بخشی رنگی).
 شابک : دوره: 5-62-7901-600-978؛ ج. ۱: 5-59-7901-600-978؛
 ج. ۲: 1-60-7901-600-978؛ ج. ۳: 8-61-7901-600-978
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : چاپ قبلی: نشر سمیرا، ۱۳۸۳.
 موضوع : بازی‌ها -- ایران -- ایلام (استان)
 موضوع : Games -- Iran -- Ilam (Province)
 موضوع : بازی‌های نمایشی -- ایران -- ایلام (استان)
 موضوع : Play-party -- Iran -- Ilam (Province)
 شناسه افزوده : محمدی، اطمه، ۱۳۵۴ -
 رده بندی کنگره : ۲۰۴۲۸۸۶۷ : ۴۷۳۲۶م ۱۳۹۵
 رده بندی دیویی : ۷۶۷-۹۵۵۴۵ : شماره کتابشناسی : ۴۲۸۳۹۲۹

انتشارات آریوCHAN

Pub. ARYVHAN

نام کتاب : فرهنگ بازیهای محلی ایلام - جلد

مؤلف : آیت محمدی (کلهر)

ناشر : انتشارات آریوCHAN

شمارگان : ۱۰۰۰

توبت چاپ : اول : ۱۳۹۵

بها دوره سه جلدی : ۳۲۰۰۰۰ ریال

شابک دوره: ۵-۶۲-۷۹۰۱-۶۰-۷۷۸-۶۰۰-۹۷۸

شابک جلد ۲ : ۱-۶۰-۷۹۰۱-۶۰-۷۷۸-۶۰۰-۹۷۸

فهرست

پیشگفتار

- ۱- آرتا ته (Arta)..... ۱۷
- ۲- آسمانه گه گج مجینه (Asmānaga geç Mençina)..... ۲۰
- ۳- آواه ل، عینی (Awal aiyni)..... ۲۲
- ۴- آلان ئه لانه کی (alān alānaki)..... ۲۵
- ۵- آندی مه ندی (andi mandî)..... ۲۶
- ۶- بافرنه ت (Bāferî k)..... ۲۹
- ۷- بی نابی نا (Benî Benî)..... ۳۱
- ۸- به رد په لان (Berd Palān)..... ۳۳
- ۹- پاپالتجی (Pa Pā lence)..... ۳۴
- ۱۰- په پگه هشاره (pa peğa heşāra)..... ۳۶
- ۱۱- په رشالم نه سزی (Pa şālem naseze)..... ۳۷
- ۱۲- په ره نده (Paranda)..... ۴۰
- ۱۳- پول جه نگ (Pül caj)..... ۴۲
- ۱۴- په رین (parin)..... ۴۴
- ۱۵- تانجکه و گل گلی (tāncega-u-gel geli)..... 49
- ۱۶- ته تاره چه ن ته تاره..... ۵۰
- ۱۷- ته ش پوقه (tas poqa)..... ۵۱

- ۱۸- توپ قال (قا) (top qāl (qār)) ۵۲
- ۱۹- ته رازی میزان (tarāzi mizān) ۵۶
- ۲۰- ته م تیق (tam teq) ۵۷
- ۲۱- تیر و کووان (tir -u- Nowān) ۵۷
- ۲۲- تووم خه ریزه (۱) (tum xareza) ۵۹
- ۲۳- تووم خه ریزه (۲) (tum xareza) ۶۱
- ۲۴- تیلان بازی (tilan Bāzi) ۶۳
- ۲۵- جو زان (çu Zan) ۶۵
- ۲۶- جل کوت (çl kot) ۶۷
- ۲۷- چالان (۲) (çālān) ۶۹
- ۲۸- چال پشکول (چوار پشکلی) (çāl peške, çar peşke) ۷۰
- ۲۹- چوو بازی (۱) (çu Bazi) ۷۷
- ۳۰- چوو بازی (۲) (çu Bazi) ۷۹
- ۳۱- چوو به له کان (çu Balakn) ۸۱
- ۳۲- چوو چزان (۲) (çu çezān) ۸۲
- ۳۳- چوو چه ق (çu çaq) ۸۳
- ۳۴- چه ق و گوژه (çaq-u- goja) ۸۴
- ۳۵- چه جه مه چم (۲) (haca maçm) ۸۵
- ۳۶- چه جه مه چم (۳) (haca maçm) ۸۶
- ۳۷- حدس زدن (hads zadan) ۸۷

- ۳۸- خه ت یا شیز (xat ya şer).....
- ۳۹- خه ره خه ره و جوو (xar xara-u-cu).....
- ۴۰- خورما شه که ری (xormā şakari).....
- ۴۱- خه ریل و بزئیل (xareil Bezneil).....
- ۴۲- دالگه دالگه (Dalega Dalega).....
- ۴۳- ز و دزگر (Dez-u-Dezger).....
- ۴۴- دگه (Doga).....
- ۴۵- ده سر چال (Das çāl).....
- ۴۶- ده س کی بال کی یه (Das ki Bālay kiya).....
- ۴۷- ده س خشتی (Das meştî).....
- ۴۸- ده قله (۲) (Daqela).....
- ۴۹- دیاری کردن (Diyari kerdn).....
- ۵۰- زراته لی (zeratali).....
- ۵۱- زه ران (۲) (zaran).....
- ۵۲- زه ران (۳) (Das çāl).....
- ۵۳- زوور مشته کی (۲) (zor meştaki).....
- ۵۴- زوور مچ (۳) (zor meç).....
- ۵۵- ژیر کلاوی (jer kelāwy).....
- ۵۶- سه نگ داخ (saj dāx).....
- ۵۷- سیلو (silo).....

۵۸- سور سوره کی (sür süraki).....

۵۹- سولان (sülān).....

۶۰- شان جه نگه کی (۲) (šan canjaki).....

۶۱- شلی ملی (۲) (şle mle).....

۶۲- شه له (şala).....

۶۳- شیر دوشی (şir dosi).....

۶۴- عه ر عه کی (ar araki).....

۶۵- عه ر عه قوم قوم (ar arā qom qom).....

۶۶- قاسم بیا قاسم بحر (Qāsem bea Qasem Bāw).....

۶۷- قاپان (Qā pān).....

۶۸- قاسد و مه قسود (Qasch v me Qsoud).....

۶۹- قاون (Qāwān).....

۷۰- قام قام کونی (Qām Qam koni).....

۷۱- قاوو (قه وو) (Qaw).....

۷۲- قش قره قوم قوم (QeşQera Qom Qom).....

۷۳- قه لماسی بازی (Qalmāse Bāzi).....

۷۴- قوتان (قتان = کوتان) (۱) (Qutān).....

۷۵- قوتان (قتان = کوتان) (۲) (Qutān).....

۷۶- قاوران (Qāw Rān).....

۷۷- قولان فتح (Qulān fath).....

-قوته خوواردن (Qūta xowārden)
- ۷۸- کاسه که رانی (Kāsa karni).....
- ۷۹- کران (Kerān).....
- ۸۰- کره دره کی (Kera Daraki).....
- ۸۱- کی برده دوو (Ky Berdadow).....
- ۸۲- کرم ده شکه (Kerm daska).....
- ۱۳- ک روچله (Kuçla).....
- ۸۴- کلارو دیوانه کی (۲) (Kelāw Rowānaki).....
- ۸۵- کله ک بازی (Kelak bāz).....
- ۸۶- کوسه مه رنج (Kusa marance).....
- ۸۷- که مه ر به ن جه نگ (Kamar bān cāno).....
- ۸۸- گا رووا (gā rwa).....
- ۸۹- گا رووانه کی (gā Ruwanaki).....
- ۹۰- گول په نج (gol panç).....
- ۹۱- گووان (gwān).....
- ۹۲- گور گه ی گه له زه نم (gugae gala zanem).....
- ۹۳- گول زه ر (gol zar).....
- ۹۴- گول وان (gol wān).....
- ۹۵- لال بازی (lāl Bāzi).....
- ۹۶- مال خالو نیشان دره ر (mal xālo nişān dar).....

- ۹۷- ماهان (ماین) سوواری (mahān (maiyn) sowāri).....
- ۹۸- مزه توقه (۲) (meja toQa).....
- ۹۹- مله مله زوو (mela mela zu).....
- ۱۰۰- مه ته (mata).....
- ۱۰۱- نجات بازی (necād Bāzi).....
- ۱۰۲- نگ (negr).....
- ۱۰۳- نه ردان (نراکان) (nardā (zākān).....
- ۱۰۴- وه ره نجه نگ (waran cañj).....
- ۱۰۵- هاله فلقل هاله هویه (hala flfl hala cüy).....
- ۱۰۶- هلی رم ئی پا و نو (helerin epā-u ora).....
- ۱۰۷- هه پلی هه پوو (hē ply hapu).....
- ۱۰۸- هه چه ل مه چه ل (hē çal maçal).....
- ۱۰۹- هه ران مه ران (harān marān).....
- ۱۱۰- هه لان (نه لان) (halān).....
- ۱۱۱- هه له له و پا زه نگوله و پا (hale-le-u .pā zangola-u pāl).....
- ۱۱۲- هه لو (halw).....
- ۱۱۳- هه لو کان (halokān).....
- ۱۱۴- همسا نازاری (hamsā Azāri).....
- ۱۱۵- هویه مله کی (hüya Melaki).....

پیشگفتار

در ادامه آماده شدن دو مجلد دیگر از مجموعه بازیهای محلی ایلام نکاتی چند لازم به توضیح می باشد:

- در هنگام انجام بازی اگر بین افراد دو تیم مشاجره و یا درگیری پیش آید، چند نفر به عنوان میانجیگر دخالت می کنند، پس از متقاعد شدن طرفین، می گفتند اشتی کنیم، پس یکی از نفرات میانجیگر، یک مشت خاک را به هوا پرت کرده و می گوید: خاک بازی را باد برد. کرده کرد و برده برد. دوباره بازی شروع می شود. این اصطلاح در منطقه بدره در شهرستان دره شهر اجرا و انجام می گیرد.

- در جلد نخست عنوان شد: بازیکنان در اجرای بیشتر بازیها نفرات با دست یا وسیله ی دست خود را به مکانهایی برند که به آنها "دالگ یا دالگه" [Daleg -Dalega] (مادر) گفته می شود. در مناطقی دیگر استان این "دالگه" [Dalega] به نامها و اسامی دیگر خوانده می شود که عبارت از:

منطقه شیروان، ناوک [اوک] [àvek]: در منطقه ایلام، ره [mara] در منطقه دهلران، دال گه [Dàl ga] - در منطقه هلیلان، داک [uak].

- برای تعیین برنده تیمی که پس از چند بار مسابقه مساوی می شوند، یک قرص نان [په پک [papek] درست می کنند و مهره ای را در داخل آن می گذارند. آن را تکه تکه کرده و مهره در داخل هر کدام از تکه ها بوده و به هر بازیکن بیفتد، آن فرد یا تیم برنده است.

- قاو گور میچ [Qàw] = در بازهایی همچون کلاو رووان [Nilaw Rowan]

قاو گور میچ [Qàw gurmiç].... هرگاه بازکن نشسته بتواند با پا به یکی از بازیکنان بیرون دایره بزند، این ضربه زدن را در اصطلاح بازی "قاو" [Qàw] گویند.

- روش های جریمه برای فرد یا افراد بازنده:

- پس از انجام بازی بین شرکت کنندگان، نفر یا نفرات تیم برنده، اعضای تیم بازنا را جریمه می کنند. نحوه ی مجازات و انجام حکم روی بازندگان بازی به صورتهای مختلف بوده که به مهمترین آنها در این مجموعه اشاره می شود.

۱- گازوانه گی (تله زووان): فردی که برنده بازی بوده، پایین پیراهن خود را ما بین انگشت شصت و اشاره تراز می دهد، و کاه یا تکه کاغذی کوچک با بین دو انگشت ورودی پارچه پیراهن می گذارد. فرد بازنده باید سعی کند که با زبان [کاه یا تکه کاغذ کوچک] را از تیری پرچه ما بین دو انگشت بردارد. که هر بار که تلاش می کند، آن را بردارد. فرد برنده با دو انگشت زبان او را می گیرد، کمتر کسی می تواند کاه یا کاغذ را بردارد به همین خاطر [تله برای زبان] نامگذاری کرده اند.

۲- ناخل مشکویه: فرد یا افراد تیم بازنده پس از پایان بازی بایستی مهره ای را که در درون آتش [که معمولاً چند تکه ذغال گر گرفته شده در آن باشد] را در حالی که بالای چشمشان بسته شده در بیاورند. معمولاً برای برآوردن مهره، ممکن است چند بار انگشتان آن فرد یا نفرات با ذغالهای گر گرفته شده برخورد کرده و بسوزد.

۳- بوسان (Bosàn) معروف است. نفر یا نفرات برنده پس از تعیین نوع مجازات، که به "بوسان" (بوستان) معروف است. با هر دو دست موی سر بازنده را با فشار دست به هم می زنند که باعث درد و اذیت شدن می شود. و معمولاً

فرد اجرا کننده ی حکم از همبازیهای خود می پرسند: در بوستان (بوسان) چه بکاریم؟ آنها در جواب می گویند: خیار، گوجه، ... با بردن اسم هر میوه ای، فشار بر روی سر و به هم زدن موهای سر زیاد می شود.

۴- خوردن پارچ آب یا دوغ؛ فرد یا افراد بازنده ی بازی، طبق خواسته و حکم تیم برنده، معمولاً به آنها اجبار می کنند که هر نفر یک یا دو پارچ دوغ یا آب بنخورند.

۵- پاس کردن: نفر یا نفرات تیم بازنده، که معمولاً پس از انجام بازیهایی که در سه انجام می شود، باید بالای پشت بام یا بیرون از منزل رفته و با صدای بلند چند بار بل بگویند. پاس کرده آنگاه به اهالی محل ندا دهد که سگهایتان را ببندید، من به جای سگهای شما امشب از گوسفندان نگهداری یا پاسداری می کنم.

۶- به یک له بان پشت: فر را بر له خود یا به افراد دیگر محکم می کنند که با کف دو دست بر روی پشت سر یا ناف است. بیم بازنده محکم چند بار بزند به این خاطر به این نام، نامگذاری شده که هنگام بخشی نان، محکم با کف دست رو خمیر زده و آن را پهن می کنند.

۷- شه قه زیله (سیلی): در بازیهای همچون شاه و وزیر، ... فردی که شاه شده به وزیر دستور می دهد که چند ضربه سیلی محکم به آرام به نفری که به عنوان دزد انتخاب شده، بزند.

۸- زدن به نوک بینی با انگشت: در بازی‌هایی که به صورت گروهی انجام می‌گردد، از جمله احکامی که توسط فرد برنده یا حاکم صادر می‌شود به نوک بینی با انگشت می‌باشد که تعداد آن از سوی فرد برنده یا حاکم اعلام می‌شود.

۹- سوار شدن: از جمله متداول ترین نوع جریمه برای افراد بازنده سوار

کردن نفر یا نفرات تیم برنده می باشد که در بیشتر بازیها انجام می گیرد.

۱۰- شلاق زدن: این نوع جریمه به ندرت در بعضی از مواقع از سوی افراد

برنده بر روی نفر یا افراد بازنده اجرا می شود.

۱۱- زدن نشیمن گاه: دو نفر به یکدیگر یا فرد بازنده به دیوار: پس از پایان

بازی فرد یا افراد بازنده توسط اعضای تیم برنده بطوریکه دست و پای آنها را گرفته و نشیمن گاه آنها را به دیوار یا به یکدیگر می زنند.

۱۲- زدن به پشت گوش با انگشت: همانند زدن انگشت به نوک بینی است.

که در بازیهای گروهی بر روی فرد بازنده اجرا می شود.

(*) در جلوی کدام از بازیها این علامت به نشانه آن است که این بازی برگرفته از

پایان نامه کارشناسی ارشد آقای رامین بلوچی تحت عنوان "بررسی وضعیت موجود بازیها و ورزشهای بومی و محلی استان ایلام" دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۳.

تذکر این نکته به لحاظ روش تحقیق لازم است که در معرفی و شناساندن هر بازی

باید به چهار مرحله توجه شود. بویژه اگر هدف ارائه توضیح همه جانبه در مورد بازی

باشد. شایسته است که در ارائه توصیف همه سویه و پروپیمان از بازی نه فقط به ارائه

توضیح و توصیف فشرده و اجمالی، بلکه شایسته است که توصیفی تا حد امکان کامل

و مفصل به دست بدهیم، بطوری که خواننده بتواند بازی را در ذهن خود به طور

ملموس و زنده تر ترسیم کند.

بی گمان ارائه چنین توصیفی مستلزم بیان جزئیات هرچه بیشتر است. و در بازی است. اما

از آنجا که نخواستیم مطلب به اطناب بگراییم، کوشیدیم با آوردن جدول در ابتدای هر

بازی، خواننده، خود برخی جنبه ها و جلوه های بازی را در پیش خود در ذهن خود)

بازسازی کند. از این روی، بعضاً در توصیف بازیها به ارائه توضیحاتی فشرده و خلاصه

بسته کرده ایم.

مسئله دیگری که ما را در این بررسی به رغم اشتیاق و علاقه ی فراوان می خواستیم

بدان پردازیم، تبیین، تعلیل، تحلیل و بعضاً تفسیر بازیهاست. متأسفانه پرداختن به این

جنبه، فرصت، همت و کوشش توان فرسایی را طلب می کند و این بُعد مسئله به خودی

خود عرصه مستقل و درخور توجه است که گردآورنده‌ی بازی‌های فولکلوریک قطعاً باید بتواند بدان توجه شایسته‌ای مبذول دارد. تردید نیست که افراد مختلف با توجه به سابقه‌ی ذهنی و نگرش خاص خود می‌توانند تفسیری دا به خواه و متناسب با پسند خود از بازی ارائه دهند و این حقی است که می‌توان از کسی سلب کرد. به خاطر تعدد برداشت‌ها و پنداشت‌ها، ما نخواستیم به طولانی کردن مطالب، سر خواننده را به درد آوریم و اگر گهگاهی به تبیین و تفسیر بازی پرداخته‌ایم، بیان مواردی بوده که جنبه‌ی عینی داشته و از تفاسیر دل‌به‌خواه پرهیز کرده‌ایم، اما بر این باوریم که لازم است و باید به این جنبه مهم نیز پرداخته شود. نگارنده این مجموعه اگر توانسته باشد مجموعه‌ای خداحاله‌ی آرد کامل از بازی‌های منطقه ارائه کند، بر خود می‌بالد. چون آوردن همه بازی‌ها و گردآوری مجموعه‌ای بی‌نقص و بی‌کم و کاست ناممکن است. همه کوشش نگارنده این بوده است که هر بازی از قلم نیفتد و جایگاه بایسته خود را در این مجموعه بیابد. چون بر این باورم که تنها با گرد آوردن همه بازی‌ها و توصیف، تبیین و نقد آنها می‌توان به تصویری جامع و همه‌سویه دست یافت و از پدیده‌ای به نام بازی به مفهوم عام آن، منظره‌ی واقعی از روانشناسی قومی مردمان این سامان ارائه کرد.

از ضرورت تبیین و تحلیل سخن گفتیم بی‌گمان در پژوهشگران فرهنگ عامه است، که به بررسی ژرف و عمیق این «ژانر» (گونه‌ای فولکلوریک) بپردازند و تنها به توصیف گونه‌های فولکلوریک بسنده نکنند. اما این بدین معنی نیست که گردآورنده و توصیف‌گر باید حتماً خود رأساً بدین مهم دست یازد. چون این حوزه و این مرحله از بررسی عرصه‌ای مستقل و جداگانه است که تلاش و همت جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان است که خلاء موجود را با تبیین و تحلیل عینی و عملی پُر کنند.

موضوع دیگر انتقاداتی است که برخی نسبت به گردآوری مجموعه‌هایی از این دست دارند، که نگارنده خود نیز آگاه است که برخی از بازی‌ها با معیارها و پسندهای جامعه امروز ما در تعارض است، یا بهتر بگویم توصیف و معرفی برخی از این بازی‌ها ممکن است حمل بر ترویج فرهنگ غلط و کهنه شده تلقی شود. تعبیرات و نظراتی تحت این عنوان که این بازی بهداشتی یا ایمنی نیست، نابهنجار است و... نگارنده خود نیز به این

امر توجه داشته و اذعان دارد که انجام برخی از این بازیها با توجه به هنجارها و ارزشهای حاکم بر جامعه امروز حاکم بر جامعه امروز مشکلاتی در پی خواهد داشت. اما در مجموعه حاضر قصد احیاء این بازیها در میان نبودیم نیست. بلکه صرفاً معرفی و شناساندن میراث گذشتگان ما در زمینه بازیها و ورزشهای سنتی بوده است. اگرچه نمیتوان منکر شد که برخی از این بازیها به رغم کهنگی ظاهر هنوز جالب توجه بوده و ارزشهای خاصی در آنها مستتر است و یکی از هدفهای این پژوهش احیاء و دگردیسی این دسته از بازیها به شکل امروزی است. در این رابطه نیز باید از هر گونه مطلق گراي و سیاه و سفیدنمایی پرهیز کنیم. بازیها نیز چون دیگر اشکال فولکلوریک (اعتقادات، باورها، مثلها، و...) حاوی جنبههای مثبت و منفی هستند و در انتقال میراث فرهنگ عامه در زمان باید همه‌ی آن چیزهایی را که نجیب، شریف و انسانی است، احیاء کرد و پاس داریم.

با این همه، همان گونه که خواننده این نوشتار می‌تواند از حق تفسیر و ارائه تبیینی دل‌به‌خواه از این یا آن بازی بازداشت. در نقد بازی باید این جنبه را برای خواننده و تحلیل‌گر محفوظ و قتل شد که به نقد بازیها پرداختن و جنبه‌های کهنه شده... نقد و ارزیابی کند. اما، انصاف آن است که به جنبه‌های ارزشمند و مثبت فرهنگی عامه (بازیها) توجه داشته باشیم و در عین بیان انتقاد، پیشنهاد و راه‌حلی را ارائه دهیم. بازسازی، احیاء و ارتقاء این بازیها ارائه بکنیم. چه بسا در این مجموعه بازیها این قابلیت و شایستگی آن را دارند که به مثابه‌ی بازیهای فرا منطقه‌ای و فراملی شناخته شوند و جایگاه خود را در میان بازیها و ورزشهای جهانی بیابند. به هر حال بازیهای محلی و سنتی را می‌توان از جنبه‌ها و زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده و نکات مثبت و منفی آنها را ارزیابی کرد.

نکات حائز اهمیتی که بازیها، ترانه‌ها و نوازشها در فرهنگ عامه دارند را می‌توان به خوبی مشاهده کرد. به عنوان مثال نقش بازیها در رفتار و شکل‌گیری شخصیت بچه‌ها برای ورود به زندگی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و به عناصر اصلی و نکات بارز این بازیها اشاره و نام برد. کودکان ما در این بازیها با زبان بسیار ساده چگونگی

تعامل با هم، رفتار جمعی، طرز زندگی کردن با همسن و سالان خود، آشنا شدن و کنار آمدن با مردم، تجربه و آموزش برای ورود به زندگی و فعالیت‌های اجتماعی و بسیاری از صفاتی را که در سنین بالا نیاز دارد در این سنین آموخته و با انجام این بازی‌ها برای ورود به زندگی اجتماعی تجربه می‌کند.

از نکات بارز بازی‌های سنتی و محلی بر خلاف بازی‌های وارداتی همچون بازی‌های کامپیوتری، آن است که نه هزینه دارند و نه اضرار آنچنانی نیاز دارند، و نه به بچه‌ها خشونت یاد می‌دهد. رفتارهای بچه‌ها را کنترل و تنظیم می‌کند. کودکان (بچه‌ها) را با احساسات و عواطفی که برگرفته از فرهنگ سنتی که فرهنگی با عاطفه و احساس است آشنا می‌کند.

در فرهنگ بازی‌های سنتی و محلی ما آنچه مطرح بوده، ایجاد هیجان و تحرک است. که برخلاف بازی‌های وارداتی (کامپیوتری) که هسته‌ی اصلی آنها عنصر خشونت و زندگی فردی که همان مورد از اجتماع بوده، می‌باشد. این در حالی است که در فرهنگ بازی‌های محلی ما بر عکس کودکان و بچه‌ها آموزش می‌بینند که در آینده قرار است مسئولیت‌هایی را بپذیرند، کارها، جایی را انجام دهند و با امکانات جامعه خویش و طرق استفاده از آنها آشنا شوند. به طور کلی، بازی‌های سنتی و محلی صفات نیک و پاک انسانی، مهر و محبت و صفا و صمیمیت را در وجود بچه‌ها تقویت می‌کند و هیچ‌گاه از بازی‌های سنتی و محلی دیده نشده که عامل و نتیجه اش خشونت باشد که بخواهد آموزه‌ای بد و یا موجب افزایش خشونت در کودکان گردد و مهرورزی به یکدیگر و دیگران را از سوی کودکان کاهش دهد.

امروزه متأسفانه با توجه به مقتضیات زمان، شرایط به گونه‌ای پیشرفته که با پیشرفت تکنولوژی و ورود بازی‌های وارداتی از طریق امواج به داخل منازل، بچه‌ها را مقداری از هم دور کرده و بچه‌ها به جای بازی با همسن و سالان خود سرگرم بازی کردن با وسایل چون کامپیوتر می‌شوند. طبیعی است که در اکثر شهرها این عامل باعث قطع ارتباط بچه‌ها از یکدیگر شده و آنها را برای آموزش و یادگیری زندگی اجتماعی آینده و تعامل و برقراری روابط عاطفی با دیگران محروم می‌کند.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است، که در فرهنگ ما ایرانیان به خصوص در بحث بازی‌ها، ترانه‌ها و نوازش‌ها آن هم در رده کودکان و نوجوانان خشونت اصلاً جایگاهی نداشته و ندارد. بعید است بچه‌ها و کودکانی که از روابط با بکدیگر که همان روابط احساسی و عاطفه بوده، محروم شوند، انتظار برود که در آینده یک رفتار پاکی با هم‌نوعان خود نشان دهند و بتوانند به مردم آموزش بدهند، و یا یاد بگیرند. چراکه متأسفانه عنصر بازی‌های کامپیوتری خشونت بوده و هست و به بچه‌ها یاد می‌دهد که برای پیش رفتن، بایستی همیشه افراد را از سر راه خود برداشت. در صورتی که در فرهنگ بازی‌های ما عامل اصلی پیشرفت و ترقی را در اتحاد، همبستگی و مهرورزی با هم‌نوعان می‌دانند. و این نقش کودکان و بچه‌ها در انجام بازی‌های سنتی و محلی، فقط جنبه اشاره‌ای به اهمیت بازیگاه بازی‌ها در فرهنگ ملی (سنتی و محلی) و بیان گوشه‌ای از تأثیر بازی‌ها و نقش آفرینی آنها در سلامت جامعه می‌باشد. چراکه بازی‌های سنتی و محلی در هر کدام از رده‌های سنی تأثیرات به سزای خود را در سالم‌سازی و حفظ فرهنگ ایفا می‌کنند که با استفاده از تجربه ویژه به این امر پی خواهیم برد. یادآوری می‌شود که آنچه را می‌توان از فرهنگ بازی‌های سنتی و محلی برداشت کرد، این است که بازی‌ها شکل گرفته از عناصری چون احساس، عاطفه، تعامل با دیگران، آموزش، همبستگی، سادگی زبان، جمعی فکر کردن، همدلی، زندگی اجتماعی، هیجان، تحرک، مسئولیت‌پذیری، تنظیم و کنترل رفتارها، مهربانی، هنجارها، سلامتی روح و جسم، دوری از خشونت، صفا و صمیمیت، صداقت، کم هزینه بودن، مهرورزی، سازگاری با محیط و آشنایی با طبیعت، و... می‌باشند.